



توضیحی بر انتشار مجدد: هفته حکمت (۴ تا ۱۱ ژوئن، ۱۴ خرداد) نزدیک میشود. برای بیان هدف ما از هفته حکمت و اقداماتی که همه دوستداران او و از جمله اعضا و فعالین حزب حکمتیست جهت معرفی هرچه بیشتر منصور حکمت و سیاستها و افکار او میتوانند پیش ببرند، نوشته کورش مدرسی را که به این مناسبت و در معرفی این هفته نوشته شده است، در کمونیسیت درج میکنیم و توجه خوانندگان کمونیسیت هفتگی را به آن جلب میکنیم:

سال ۲۰۰۳ هفته ای که تولد منصور حکمت (۴ ژوئن - ۱۴ خرداد) در آن قرار میگردد هفته منصور حکمت اعلام شد. این هفته قرار است هفته بزرگداشت دست آوردهای زندگی کوتاه اما بسیار پربرابر منصور حکمت باشد. منصور حکمت را باید معرفی کرد، منصور حکمت را باید خواند، منصور حکمت را باید فهمید و منصور حکمت را باید شناخت و شناساند همانطور که با مارکس رفتار میکنیم. روشن است که این کاری نیست که در یک هفته قابل انجام باشد. برای ما، کسانی که خود را متعلق به سنت تنوریک، سیاسی و اجتماعی او میدانیم تعلق به این سنت چیزی جز تلاش دائم برای تغییر دنیا برای آزادی و برابری قطعی بشریت، یا انطور که او گفت، برای بازگرداندن اختیار به انسان نیست. این یک تلاش و یک جدال دائم است

**نشست کمیته کردستان حزب حکمتیست برگزار شد ص ۸**  
**جمهوری اسلامی کور خوانده است ص ۶**

**اعتصاب عمومی در کردستان؛ دستاوردها و درسها**  
سیف خدایاری

مردم آزادیخواه و رادیکال است که در چند سال اخیر در کردستان انجام گرفته است. این حرکت اعتراضی مانند سایر تحركات سیاسی باید مورد نقد و بررسی قرار گیرد و دستاوردها و درسهای آن در اختیار طبقه کارگر و انسانهای آگاه و آزادیخواه قرار گیرد. این نوشته کوتاه تلاشی در این جهت است. ادامه در صفحه ۵

**اعتصاب عمومی علیه اهداف قومپرستانه ارتجاعی عبدالله مهدی و دوستان حال و آینده او بود! ص ۴**

**جمهوری اسلامی عامل گسترش اعتیاد و سازمانده فروش مواد مخدر در جامعه است ص ۶**

**گزیده ای از اخبار و رویدادهای کارگری در کردستان ص ۷**

**اکتبر ۳۸**

[www.aktoberr.org](http://www.aktoberr.org)

**نشریه کمیته کردستان**  
**حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست**

**سر دبیر: سلام زیجی**  
s\_zijji@yahoo.se

**دوشنبه ۳ خرداد ۱۳۸۹ ۲۴ مه ۲۰۱۰**

**نتوانستند به اول مه رنگ سبز بزنند**  
زنده باد اول مه - بخش دوم  
مصاحبه با رحمان حسین زاده

**اکتبر: شما مطرح می کنید که اول مه امسال دست رد به سینه جنبش سبز زد، منظور اینست هیچ گرایش و تمایلی به سبز در میان طبقه کارگر نیست؟ به این معنا چپ های بورژوازی نتوانستند در جلب حمایت کارگران کاری بکنند؟**

رحمان حسین زاده: بحث من این نیست که گرایش تمایل به سبز در میان کارگران عمل نمی کند، بحث من اینست که گرایش بورژوازی تمایل به سبز تلاش کردند که مهر سبز را به اول مه بزنند، اما در مقابلشان گرایش رادیکال کارگری و سوسیالیستی ایستادند و نگذاشتند آنقدر دست بالا پیدا کنند که رنگ سبز را به اول مه بزنند. بگذارید کمی بیشتر توضیح دهم. در میان طبقه کارگر و جنبش کارگری گرایشهای مختلفی وجود دارد. کارکرد این گرایشها مختلف در اول مه هم خود را نشان داد. از سر عدم تشخیص منفعت طبقاتی و یا در نتیجه کارکرد کمونیستهای بورژوازی هضم شده در جنبش سبز، متأسفانه گرایش به جنبش سبز در میان کارگران و در کشمکشهای مربوط به اول مه هم وجود داشت. به وضوح تقابل گرایشها مختلف

**اقدامات در هفته حکمت ص ۲**

**به جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی زنان بپیوندید! ص ۷**

**ترور روزنامه نگاران در کردستان عراق ص ۳**

**آزادی، برابری، حکومت کارگری**

اگر جمهوری اسلامی نبود هفته منصور حکمت، هفته سمینارهای تئوریک، هفته جلسات سیاسی، نمایشگاههای کتاب، هفته انواع مختلف فعالیت های فکری و فرهنگی در ابعاد جامعه ایران بود. فعالیت هایی که نه تنها جایگاه منصور حکمت را در تفکر معاصر باز میکرد و امکان میداد تا در ابعاد وسیع انسانیهای دیگر بتوانند این رنگه فکری را بشناسند و به آن بیبوند بلکه هفته متمرکزی از فعالیت فکری، هنری و فرهنگی حول مسائل جدید و قدیم جامعه را بوجود می آورد. امکانی را فراهم می آورد که مارکسیست های ما بتوانند حول این خط و سنت فکری به مسائل جدیدی که در مقابل آنهاست به پردازند. جمهوری اسلامی امروز این کار را ناممکن کرده است. اما جمهوری اسلامی به همت انقلاب مردم ایران و به یمن نقشی که تا هم اکنون منصور حکمت در سیاسی ایران و در دادن هویت انسانی به این انقلاب داشته است رفتنی است. در همان حال فلسفه ما، فلسفه مارکس، کمونیسم و منصور حکمت، تن ندادن به دنیای موجود زیر هر توجیهی بوده است. هفته منصور حکمت هفته ای است که بیش از هر موقعیت دیگری باید رنگ این عدم تمکین به وضع موجود را منعکس کند. وجود جمهوری اسلامی در ایران دست ما را بسته است اما بلند پروازی ما و ابتکار مابجای خود باقی است و با اتکا به همین بلند پروازی و ابتکار باید از امروز سنت هفته منصور حکمت را پایه ریزی کنیم.

هفته منصور حکمت تنها متعلق به حزب کمونیست کارگری ایران نیست. و محدود به ایران هم نیست. منصور حکمت متعلق به جنبش کمونیسم کارگری و از آن وسیعتر متعلق به انسانیت آزادیخواه و برابری طلب است. هفته منصور حکمت متعلق به هر انسان، هر جریان، هر سازمان و هر نهادی است که خود را در آرمان منصور حکمت، در دنیای بهتر او، شریک میدانند. هیچ چیز مانع از آن نیست که در این هفته در ایران و در خارج کشور اعضا و دستداران حزب و دستداران منصور حکمت، هر نهاد، سازمان و جریانی هر کسی که خود را متعلق به سنت او میدانند و دست آوردهای او را ارج مینهد به این حرکت ببینند. کاری را در دستور خود بگذارند. میشود جلسات یا سمینارهای ویژه گرفت، میشود اعضای حزب هر جا که هستند در ایران یا در خارج، در خانه های حزب یا اجتماعات ممکن دیگر در ایران یکی از نوشته های او را به بحث بگذارند. حتی اگر یک نفر هم هستند میشود عده ای دیگر را جمع کنید منصور حکمت را معرفی کنید، نوشته ای از او را به بحث بگذارید. میشود در رابطه با انتشار آثار او کمک ویژه ای کرد، میشود میز کتاب های ویژه گذاشت، میشود به انتشار نوشته های او کمک کرد، میشود جزوه کتاب یا نوشته ای در مورد ایده های او در مورد مسئله پناهندگان، در مورد رهایی زنان، در مورد انسان، در مورد کودک، در مورد سیاست، فلسفه، اقتصاد، در مورد سوسیالیسم، در مورد هر چیز دیگری را معرفی کرد، خواند و به بحث گذاشت و کسان دیگری را به او جلب کرد. میشود در سطح بین المللی او را معرفی کرد. میشود پوستر او را پخش کرد، میشود نوارهای او را تکثیر و توزیع کرد. میشود هزار کار کرد. هر برنامه ای که دارید، هر کاری که میکنید را به اطلاع ما برسانید. مهم این است که ما این هفته را هفته منصور حکمت کنیم. دنیا باید او را بشناسد. باید از امروز سنت این هفته را بگذاریم. (به نقل از نشریه کمونیست)

## اقدامات در هفته حکمت

اکتبر میبرسد:

**هفته منصور حکمت نزدیک است. چه اقداماتی را به این مناسبت به فعالین حزب در داخل توصیه میکنید؟**

رحمان حسین زاده

چرا فقط به فعالین حزب؟ هفته حکمت مختص فعالین حزب و یا بهتر بگویم محدود به فعالین حزب نیست. این هفته به همه دستداران حکمت متعلق است. فعالین حزب هم به عنوان بخشی از دستداران حکمت لازمست مبتکرو پیشقدم اقدامات مربوط به این هفته باشند. هفته حکمت، به سهم خود میخواهد منصور حکمت این رهبر تاریخ معاصر از ادیخواهی و برابری طلبی و کمونیسم را به جامعه معرفی کند. افکار، سیاست، انسانگرایی عمیق و تصمیمات سرنوشته ساز او را به جامعه معرفی کند. هر دستدار منصور حکمت لازم است محیط دور و بر خود را با افکار و سیاست و شخصیت وی آشنا کند. جامعه تشنه آزادی به فکر و سیاست و آلترناتیوهای حکمت نیازمند است. انسان خواستار رهایی، کارگر ضد استثمار، زن خواستار برابری، جوان خواهان سعادت و شادی و آینده بهتر، جنبش حقوق کودک و در یک کلام جامعه عاری از هر نوع ستم و تبعیض، به سیاست و پراتیک درخشان منصور حکمت نیازمند است. حاصل 25 سال زندگی سیاسی حکمت را باید قابل دسترس کرد. هفته حکمت فرصتی است که هر دستدار منصور حکمت به سهم خود حکمت را به میان کارگر

و مردم ببرد. هر کس به سهم خود میتواند کاری بکند. میدانم محدودیتهای تحمیلی جمهوری اسلامی دامنه عمل اقدامات مورد نظر هر کسی را در داخل محدود میکند. با وجود این بسیاری کارها شدنی است. اینروزها خود را جای یک دستدار حکمت در داخل کشور میگذارم، فکر میکنم فوری میشود این کارها را کرد. با اولین جمع دستداران حکمت آشنا و مورد اعتماد قول و قرار میگذارم، در شهرمان، در محیطی که هستیم، مثلا پوستر هفته حکمت و تراکت هایی از دو هفته مشهور او یعنی "اساس سوسیالیسم انسان است". سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است" و یا "دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجایی تبدیل میشود!" را تهیه و وسیعا پخش میکنیم. سی دی سخنرانیهایش را و با جزوات مطالبش را گیر آورده و تکثیر کنیم. تلاش میکنیم در روز جمعه میانه هفته حکمت ترتیبی دهیم که دستداران منصور حکمت را در هر جا و مکانی که مناسب میدانیم جمع کنیم. پای بازخوانی مطلب و یا یکی از سخنرانیهای حکمت بنشینیم. از حضار میخواستیم هر کس که درس و تجربه و احیانا خاطره ای از حکمت را به یاد دارد، برای جمع بازگو کند. خلاصه کاری کنیم که در پایان هفته تعداد زیادی با حکمت و کمونیسم و انسانیتش آشنا شوند. حول سیاستها و اهداف رهبر برجسته کمونیسم معاصر متحد شوند. دستداران حکمت را به چنین اقدامات و بسیاری ابتکارات دیگر فرامیخوانم.

\*\*\*

در پیش گیریم. با نقد و طرد توهمات به بورژوازی از هر تیپ و رنگ آن، از راست و چپ آن، به خود آگاهی سوسیالیستی و ارتقاء تشخیص منافع طبقاتی امروز و فردای طبقه مان کمک کنیم. این بخش مهم مصافهای پیش رو است.

یک مصاف مهم دیگر ناظر کردن آن مطالبات عاجل قطعنامه سراسری کارگران در مبارزان جاری اقتصادی در هر مرکز و محل کارگری است که کارگر کمونیست و سوسیالیستها حضور دارند. با نقش موثر در مبارزات جاری کارگری باید به اتحاد و همبستگی و پیروزی این مبارزات باری رسانیم. شرایط معیشت و کار و زندگی کارگران باید بهبود پیدا کند. کارگر کمونیست در پیچ و خم این مبارزه باید حضور موثر داشته باشد. نهایتا فکر میکنم یک مصاف تعیین کننده، تحزب پیدا کردن گرایش سوسیالیستی درون طبقه کارگر است. راه انسجام و اتحاد پیدا کردن گرایش سوسیالیستی از مسیر تحزب آن میگردد. کمونیستهای درون طبقه کارگر باید حزب کمونیستی داشته باشند. باید انتخاب کنند. من فکر میکنم به شاهدهی تحولات یکساله اخیر و کل سابقه کمونیسم حزب ما و کمونیسم منصور حکمت، این خط ما و این حزب پرچم سیاسی تعهد به منافع طبقه کارگر را زنده نگه داشته است. تحزب کمونیستی پیدا کردن یک مصاف ارتباط محکم با حزب کمونیست، به همفکری و همکاری در راستای امر مشترک و به پیوستن به حزب کمونیست فرا میخوانم. مصاحبه کننده: اسماعیل ویسی

## نتوانستند به اول مه ...

**اکتبر: اکنون و در دوره بعد از اول مه امسال چه مصافهایی پیش روی کارگران است؟ کارگران کمونیست به چه مسائلی باید توجه کنند؟**

رحمان حسین زاده: کارگران کمونیست هم اول مه را جمع بندی میکنند. مسئله اصلی اینست به همت تلاش و فعالیت این گرایش و به طور کلی گرایش رادیکال کارگری، صف متفاوت کارگری به وضوح خود را نشان داد. اولین مصاف پیش رو اینست که چگونه آگاهی و اتحاد و انسجام و همبستگی درونی این صف متفاوت کارگری را تامین میکنیم.

چگونه افق و تصویر و سیاست کمونیستی در میان طبقه کارگر و در صف متفاوت کارگری را گسترش میدهیم. کارگر کمونیست و همه ما کمونیستها موظفیم جوابگوی این جنبه ها از کارمان باشیم.

باید از خود پرسید که چرا بخش عمده طبقه ما، در مراکز اصلی کارگری در همین اول مه امسال نجنید؟ باید پرسید چرا هنوز خانه کارگر و بورژوازی دولتی و غیر دولتی نیروی طبقه ما را به دنبال خود میکشد؟ باید پرسید چرا هنوز شاخه های مختلف کمونیسم بورژوازی و مشخصا ناسیونالیستهای چپ ایرانی و کرد و سیاستهای اکثریتی توده ای در میان طبقه ما در این سطح موجود عمل میکند؟ طبعاً بایدها سیاسی و عملی بیرون کشیدن نیروی طبقه مان را از زیر تاثیر بورژوازی و این جریانها را

# نه قومی، نه اسلامی، زنده باد هویت انسانی!

## ترور روزنامه نگاران در کردستان عراق

امید کریمی

درخاورمیانه وکشورهایبسی نظیر ایران، عراق، افغانستان، پاکستان و ترکیه زندان، شکنجه، اعدام و ترور روزنامه نگاران قدمتی به تاریخ صنعت چاپ و انتشار اولین روزنامه ها در منطقه دارد.

در کردستان عراق نیز که بعد از جنگ خلیج در سال ۹۱ تا هم اکنون توسط حکومتی محلی متشکل از احزاب ناسیونالیست کرد (اتحادیه میهنی کردستان - پارت دمکرات کردستان) اداره میشود، روزنامه نگاران همواره در معرض بیشترین تهدیدات قرار داشته و اخبار زیادی در مورد ضرب و شتم و دستگیری آنان منتشر شده و در مواردی نیز با ترور و قتل روبرو شده اند. این اولین بار نیست که روزنامه نگاری پس از انتشار مطلبی به قتل میرسد. در ۶ مارس ۲۰۰۸ "عبدالستار ظاهر شریف" هفتاد و چهار ساله بدلیل انتقاد از رهبران ناسیونالیست حاکم در شهر کرکوک توسط چند فرد مسلح به قتل رسید.

در ۲۱ جولای ۲۰۰۸ "سوران مامه حه مه" بیست و سه ساله بدلیل انتشار چند مطلب انتقادی از رهبران اتحادیه میهنی و پارت دمکرات کردستان در مقابل منزل مسکونی پدرش در شهر کرکوک توسط چند نفر مسلح به قتل رسید.

ضرب و شتم خبرنگاران، دستگیری و ترور آنها خود نشانگر چهره واقعی دموکراسی بورژوازی و این نوع از حکومت در کردستان عراق است اینجا نیز دموکراسی، آزادیهای فردی و اجتماعی، آزادی بیان به درجه نسبتا زیادی از آن سرمایه داران، احزاب میلیتاریستی و دستجات و گروههای مسلحی است که به هیچ ارگان مدنی و حکومتی حتی ارگانهای دست ساخته خود نیز پاسخگو نیستند. آزادی در اینجا نیز کاملا در محدوده ثروت و قدرت حاکمان تعریف میشود. رسانه های گروهی و مطبوعات، تشکیل احزاب و گروهها و انجمن های مختلف تا جایی ممکن است که به محدوده مقدس ثروت و مالکیت خصوصی، قدرت طبقه سرمایه دار و حکومتگران نماینده آنها لطمه ای وارد نکند، ظاهرا همه از اندک و دموکراسی هست و واقعا هم هست اما بنا به چهارچوب، تعاریف، موازینی که طبقه حاکم تعریف کرده است. برای اکثریت جمعیت این جامعه یعنی کارگران و مردم زحمتکش نه مسکن مناسب، نه کار مطمئن و امنیت شغلی و درآمد مکنفی، نه امکانات آموزشی مناسب برای فرزندان، نه تامین اجتماعی، نه بیمه بیکاری و نه بهداشت مناسب وجود ندارد. از امکانات این جامعه ثروتمند سهم بسیار اندکی به طبقه کارگر می رسد و اینها "ازادند" با نداری و فقر خود بسازند، اما طبقه سرمایه دار و قشر تکنوکرات ظهور کرده جدید بویژه در دهه اخیر، از همه این مواهب "الهی" برخوردار است و آزاد است از همه امکانات آنها در دموکراسی موجود استفاده کند و وجود خود را بر به قیمت مرارت و استثمار و تحمیل اکثریت مردم زحمتکش جامعه، بیشتر تحمیل و تثبیت کند. پس از گذشت نزدیک به دو سال هنوز هویت قاتلان و تروربستهایی که سوران مامه حه و طاهر شریف را به قتل رساندند مشخص نشده است. اما بعد از دو روز کارگران اعتصابی و روزنامه نگار معترض را از کار اخراج میکنند. این یعنی دموکراسی، این چهارچوب و مشخصات دموکراسی بورژوازی و مفهوم واقعی آزادی در هر جامعه ی طبقاتی و از جمله در این جامعه برای طبقات اجتماعی موجود است، تا زمانی که سلطت و خاموش باشید دموکراسی هست، و هر زمان حق طلبی کنید و زندگی بهتر و رفاه و امکانات بیشتر طلب کنید با لشکر آماده برای

سرکوب و تحمیل روبرو می شوید. ترور سردشت عثمان پس از انتشار مطلبی انتقادی با دستمایه های طنز و وجود ادله و شواهد موجود در رابطه با این جنایت این بار بیشتر از هر زمانی انگشت اتهام را متوجه قدرت حاکم و بویژه آسایش پارتی نموده است.

### ترور سردشت عثمان!

سردشت عثمان در سال ۱۹۸۷ در یک محله کارگری شهر ده ولیر (اریبل) در خانواده ای ۱۰ نفره، کم درآمد و پرجمعیت متولد شد. وی دانشجوی سال آخر زبان انگلیسی دانشکده ادبیات صلاح الدین ده ولیر بود. دهها مقاله و مطلب انتقادی از سردشت عثمان با نام مستعار "سه رو زه رده شت" در روزنامه ها، مجله ها و سایتهای مختلف منتشر شده است. او همچنین چندین گزارش و مطلب برای روزنامه ها و سایتهای خارجی بویژه فاکس نیوز از کردی به انگلیسی ترجمه کرده است. وی خبرنگار روزنامه آشتی نامه و سایت کردستان پست بود.

سردشت عثمان ساعت ۸ و ۱۵ دقیقه صبح ۴ مه ۲۰۱۰ از مقابل دانشگاه صلاح الدین ده ولیر، حد فاصل دانشکده ادبیات و دانشکده هنرهای زیبا و در نزدیکی دو مقر پلیس و آسایش توسط ۴ نفر سرشنیان اتومبیلی سفید رنگ احتمالا هوندا ربوده شده و جنازه اش دو روز بعد در صبح ۶ مه در محله "معسکر" شهر موصل و بنا به گزارش روزنامه نیویورک تایمز مقابل دفتر اتحادیه میهنی یافته شد. به گفته شاهدان عینی و اعضای خانواده اش آثار شکنجه بر بدن وی نمایان بوده و چندین گلوله به دهانش شلیک شده بود. پیامی روشن و صریح برای خبرنگاران و ژورنالیستهای منتقد و آزادیخواه.

روز بعد از ربوده شدن وی در پنج مه دوستان سردشت که به غیبت وی از دانشکده مشکوک شده و در جریان ضرب و شتم قرار گرفتن او و ربوده شدنش بودند، با خانواده وی تماس گرفته و متوجه میشوند که خانواده اش نیز از وی بی خبر هستند، دانشجویان دانشکده ادبیات تصمیم میگیرند با راهپیمایی اعتراضی خود را به گوش مسئولین و مقامات امنیتی برسانند. دانشجویان از دانشگاه به طرف ساختمان مرکزی پلیس ده ولیر راهپیمایی کرده و پس از تجمع در مقابل ساختمان پلیس یادداشت اعتراضی خود را تحویل میدهند. در این یادداشت آمده بود "بزرگترین جرم بر ضد دانشجویی در مرکز پایتخت و در مقابل دانشگاه انجام گرفته و ده هین دلیل ما از پلیس میخواستیم دلیل ربودن این دانشجو را مشخص کند" اما پلیس کار خاصی انجام نداده و روز بعد جنازه سردشت عثمان را در موصل یافتند.

پس از انتشار خبر ترور وحشیانه سردشت عثمان موجی از اعتراض و نارضايتی شهرهای کردستان را فرا گرفت و نهادهای حکومتی و مسئولین ناچار شدند واکنش نشان دهند. مسعود بارزانی رئیس اقلیم کردستان کمیته ویژه ای مرکب از وزارت کشور و دستگاههای امنیتی اقلیم کردستان را مامور تحقیق در مسئله ترور سردشت عثمان کرد اما تا کنون توضیحی از جانب این کمیته منتشر نشده است. همچنین سخنگوی دولت ضمن محکوم نمودن ترور سردشت عثمان آن را اقدامی علیه امنیت و آسایش اقلیم کردستان و تهدید آزادی و زندگی مردم قلمداد کرد و از نیروهای امنیتی خواست جهت پیدا کردن عاملان این جنایت تحقیقات ویژه ای را آغاز کنند. دفتر سیاسی پارت دمکرات کردستان نیز با انتشار بیانیه ای فعالیت کمپین "سکوت نمیکنیم" و اعتراضات پیرامون آن را مشکوک و سناریویی علیه پارتی ارزیابی کرده و تهدید نموده کلیه کسانی که ترور سردشت را به مسئولین و مقامات حزبی و دستگاههای امنیتی پارتی نسبت میدهند روانه دادگاه خواهند کرد. شماری از نمایندگان پارلمان، سخنگوی حکومت منطقه ای کردستان و وزارت آموزش

عالی و استادان دانشگاه طی بیاناتی این عمل جنایتکارانه را محکوم و سعی در آرام کردن اوضاع منتشرش شهرها و مردم کردند. همچنین روزنامه نگاران، دانشجویان، فعالین سیاسی، کمونیستها و قاطبه مردم در شهرهای مختلف کردستان از جمله ده ولیر، سلیمانیه، کرکوک، چمچال، رانیه، سیدصادق و حلبچه و... دست به راهپیمایی و جمع آوری امضا علیه این جنایت جمیع زدند. همچنین کمپینی تحت عنوان "سکوت نمی کنیم" از ۱۱ مه تا ۱۸ مه توسط رادیو نوا - شرکت مطبوعاتی ناوینه - مجله لفتین - روزنامه های هاوولاتی، ریوان، دستور، روزنامه، چتر، آسو- فدراسیون سازمانهای جامعه مدنی - مرکز مینرو - تلویزیون ک. ان. ان - شبکه دفاع از حقوق و آزادیهای مردم - دانشجویان سلیمانیه - دانشجویان دانشگاه امریکایی راه اندازی و اهدافی نظیر استعفا وزیر کشور (ناوخو) و مسئولان امنیتی و پلیس ده ولیر و دستگیری و محاکمه عاملان ترور را در دستور کار کمپین قرار دادند.

در پی بالاگرفتن اعتراضات در روزهای گذشته چندین روزنامه نگار فعال کمپین از جمله سه روزنامه نگار به اسامی "تلمعت عزیز" دانشجوی سال اول علوم سیاسی دانشگاه صلاح الدین، "اه لگورد صمد" عضو هیئت تحریریه مجله لفتین و "ربین فتاح" مسئول دفتر روزنامه "روزنامه" از طریق موبایل واس ام اس به قتل تهدید شده اند. همچنین نهادهای مختلفی مانند روزنامه نگاران بی مرز، امنستی انترنشنال و سازمانهای دفاع از حقوق بشر ترور سردشت را محکوم کردند و مراسمهای مختلفی توسط فعالان سیاسی، حزب کمونیست کارگری کردستان در بسیاری از شهرهای کردستان و در فلاند، نروژ، سوئد، بریتانیا، استرالیا، دانمارک و... در محکومیت ترور روزنامه نگاران و بخصوص سردشت عثمان برگزار شده است.

### سوالات بدون جواب

تردد اتومبیلیهای شیشه دودی در سطح شهر و معابر کردستان تنها منحصر به احزاب حاکم و دستگاههای امنیتی حکومت بوده و استفاده از چنین اتومبیلی با این مشخصات برای مردم ممنوع است. تومبیل حامل تروریستها دارای شیشه های دودی بوده است! درحالی که حد فاصل ده ولیر موصل دارای چندین ایست بازرسی است اتومبیل تروریستها چگونه بدون بازرسی به موصل رسیده است؟ چرا مقر پلیس و آسایش مستقر در دانشگاه در مقابل ضرب و شتم و ربودن سردشت که در فاصله ای بسیار نزدیک به آنها انجام گرفته و واکنشی انجام نداده اند؟ و ...

### سردشت چرا ترور شد؟

سردشت پس از انتشار مقاله ای انتقادی و طنزآمیز تحت عنوان "من عشق دختر بارزانی هستم" که ۱۳ دسامبر ۲۰۰۹ منتشر شد از طریق تلفن و ایمیل تهدید به مرگ شده و در نامه ای از وی میخواستند عکس خود را منتشر کند. وی در ۲ ژانویه ۲۰۱۰ در مقاله ای بنام "نه رهبر خدایست و نه دخترش" در جواب منتقدان به درخواست خوانندگان عکس خود را همراه مقاله منتشر میکند. تهدیدات کماکان ادامه پیدا میکند و سردشت در مقاله ای در ۲۱ ژانویه ۲۰۱۰ تحت عنوان "اولین زنگ کشتنم به صدا درآمد" اعلام میکند که تهدیدات ابعاد وسیعتری پیدا کرده و او به همین دلیل با یکی از مسئولین دانشگاه این مسئله را مطرح کرده است ولی او با شانه خالی کردن از قضیه سردشت را حواله پلیس میدهد. سردشت عثمان به فرمانده پلیس ده ولیر "سرهنگ عبدالخالق" مراجعه کرده و شماره موبایلی که با آن تهدید شده به وی ارائه میدهد اما وی میگوید این شماره موبایل احتمالا از خارج است و اضافه میکند ده ولیر آرام است و اتفاقی از این دست (کشتن) اینجا روی نمیدهد. سردشت در همین مطلب می نویسد هراتفاقی بیافند از این شهر نپروم و در انتظار دیدار قاتلان خویش مینشینم و...

###

## نه قومی، نه اسلامی، مرگ بر جمهوری اسلامی

## اعتصاب عمومی علیه اهداف قومپرستانه ارتجاعی عبدالله مهدی و دوستان حال و آینده او بود! (در حاشیه اظهارات آقای عبدالله مهدی)

علی مطهری

بعد از اعتصاب موفقیت آمیز و قدرتمند مردم آزادیخواه در کردستان در اعتراض به اعدام پنج فعال سیاسی نستوه و مقاوم، موجی از تبلیغات مشمنز کننده توسط رسانه های غربی در وارونه کردن حقیقت و دادن تصویری جانبدارانه از حرکت متحدانه مردم کردستان به نفع ناسیونالیسم کرد شروع شده است. ژورنالیسم بورژوازی می خواهد این تصویر را به جامعه القا کند که اعتصاب ادامه حرکت جنبش سبز با جنبش جاری است! بخشی از این هیاهو و بازار گرمی برای ناسیونالیسم کرد و جنبش سبز توسط آقای مهدی صورت گرفت. عبدالله مهدی در تدارک ایفای نقش تاریخی در حیات سیاسی ناسیونالیسم کرد است که فعلاً راه رسیدن به این "منزلت" را در پادویی برای رسانه های غربی و از این طریق جعل واقعیت به نفع ناسیونالیسم کرد و "کسب اعتبار" برای جناح موسوی در میان مردم کردستان جستجو می کند. عبدالله مهدی بیش از بیست سال است در نقش پادو و سرگردان دنبال دوستان حال و آینده خود در پیشگاه ارتجاع است. اینکه عبدالله مهدی با ایفای نقش محلل و رابط ناسیونالیسم کرد با جنبش سبز چقدر به هدفش نزدیک میشود یا نه امر خودش است، اما کمونیستها عریاض وارونه و این جعلیات آشکار از طریق بی بی سی، رادیو دویچه وله و العربیه را بی جواب نمی گذارند و افشای آنرا وظیفه خود می دانند.

هر قدر آقای مهدی قیل و قال کند تا اعتراض مردم کردستان را به خدمت نیازمندی امروز ناسیونالیسم کرد در آورد، ذره ای از رادیکالیسم اعتراض مردم و مستقل بودن آن از جناح بندی های رژیم اسلامی نمی کاهد. بگذار ایشان با جنجال تبلیغاتی و دروغ در الصاق حرکت متحدانه مردم کردستان به جنبش سبز، مشروعیت خود را در میان ناسیونالیسم کرد برای مدتی رسمیت بخشند و پیام خود را از طریق رسانه های غربی به گوش جنبش سبز که رهبران آن مجربان و فتوا دهندگان اعدام و شکنجه انسان های بی شماری هستند که آقای مهدی خواهان همکاری با

آنها است، برساند. مردم کردستان طی یک سال گذشته صف خود را تماماً از آنها جدا کرده اند و با موضع رادیکال خود، ناسیونالیسم و آقای مهدی را در آستان رهبران سبز خجالت زده و بی محل کردند. جعل واقعیت و جنجال تبلیغاتی امروز ایشان در مورد اعتراض مردم کردستان که ربط چندانی به جنبش ناسیونالیستی کرد ندارد و الصاق این اعتراضات به روند جنبش سبز توسط مهدی، چیزی غیر از پرداخت پیش قسط راه پایی به دوایر شیوخ سبز اسلام نیست. تاریخ مبارزه مردم کردستان طی سه دهه گذشته بارها گواه شکست تلاشهایی از این دست از جانب ناسیونالیسم کرد بوده است که جهت فریب مردم و ایجاد توهم به جناحی از جمهوری اسلامی گام برداشته اند. مهدی دوره ای که خود را کمونیست می نامید، تلاشهای از این دست توسط جریانات ناسیونالیست را به ریشخند می گرفت و امروز خود با تکرار آن و ارسال پیام دوستی به رهبران نمادین جنبش جاری مورد ریشخند تراژیک تاریخ قرار گرفته است. تلاش امروز عبدالله مهدی تکرار ملال آور اپورتونیزم سیاسی جریانات ناسیونالیستی با سابقه تر، در شرایطی متفاوت است. سر در گمی و بی افقی کنونی ناسیونالیسم کرد و حضيض رهبری در این طیف، آقای مهدی را به میدان دار رسانه ها و تریبون های نه چندان محترم غربی تبدیل نموده است. ایشان هم برای احراز این پست، قلب واقعیت را پیشه کرده و در این راستا گوی سبقت را از پیشینیان خود ربوده است. هرچند مهدی فردی دارای ملاحظات و محاسبات سیاسی است، هنوز به طور کامل زیر و بم های سیاست رسیدن به مقام شامخ داروغگی کردستان را از تجربه شکست پیشینیان خود یاد نگرفته است و هنوز به سان آنها به راحتی از هول حلیم تو دیگ می افتد. مهدی می خواهد در میان جناح از قدرت رانده شده رژیم، که در تلاش زنده کردن اسلام دوران خمینی با جناح حاکم درگیر هستند، دوستان حال و آینده خود را پیدا نمایند تا در آینده و در فرصت مناسب به کریدورهای وزارتخانه های رژیم، البته اگر بخت یار باشد، در سایه حکومت اسلام سبز راه یابند! واقعیت این است که ناسیونالیسم سهم ناچیزی در اطلاع رسانی و سازماندهی اعتراض مردم کردستان داشت. این چپ ها و کمونیستها بودند که با درک شرایط و در همدردی با مردم آزادیخواه و داغدار در کردستان، بویژه خانواده و دوستان

مردم کردستان و تشدید نفرت سی ساله شان از کلیت رژیم، فراخوان اعتصاب عمومی دادند و به گرفتن این اعتراض اقدام نمودند. در خارج کشور نیزباز این کمونیست ها و آزادیخواهان بودند که ابتکار عمل را در دست گرفته و در اکثر کشورها تظاهرات و حرکت های اعتراضی گسترده ای را در محکومیت این اقدام شنیع جمهوری اسلامی سازمان دادند و سفارت خانه های رژیم را بر سرشان خراب کردند. احزاب ناسیونالیستی همیشه انگشت حیرت به دهان، منتظر شفقت جناحی از رژیم و انداختن گوشه چشمی به این ناسیونالیسم کم بهره از فوق سود کارگران بوده و هستند. اما هر بار متعجب و ناامید از بی لطفی این یا آن جناح نسبت به خود، منتظر فرج دیگری در شکاف حکومتی می مانند و در صورت عدم دسترسی به روزنه دیگری مجدداً افق خود را به آنها گره میزنند و بنا به مصلحت روز یکی از جناح ها را انتخاب می کنند. فعلاً منفعت خود را در همراهی با موسوی و جناحش تشخیص داده اند. پایان موفقیت آمیز اعتصاب عمومی مردم کردستان خوراک تبلیغی جهت ظاهر شدن عبدالله مهدی و ارسال پیام به موسوی و کروی و شرکا، در میدانی غربی را فراهم نمود و با تکرار سخنان هم سلفی های خود بار دیگر سر در گمی و بی افقی خود و جریانات ناسیونالیست را به نمایش گذاشت. ناسیونالیسم کرد در سی سال گذشته در هیچ موردی نماینده رادیکالیسم مردم نبوده و نمی تواند باشد، بلکه همیشه نقش ترمز در مبارزه مردم کردستان را بازی کرده است. قیام شدن پشت اعتراض و مبارزه مردم و معامله با آن به امری نهادینه در احزاب و جریانات متعلق به جنبش ناسیونالیستی تبدیل شده است. کمونیستها، فعالین و پیشروان اجتماعی باید عدم کارایی و بی ربطی این جریانات و شخصیت هایش به جامعه مدرن و امروزی کردستان ایران و همچنین ناتوانی جریانات ناسیونالیستی در جهت حل مسئله ملی را به کارگران و مردم کردستان را به آگاهی طبقاتی کارگران و انسانهای آزادیخواه این جامعه تبدیل کنند و با ایجاد هبستگی و سازماندهی کارگران سد محکمی را در مقابل سرایت سموم ناسیونالیسم به جامعه کردستان ایجاد نمایند و از این طریق مانع به انحراف کشاندن مبارزات رادیکال مردم توسط مهدی ها شوند. ####

## جمهوری اسلامی عامل اصلی .....

اعتیاد به مواد مخدر بنیان خانواده های فراوانی را از هم پاشیده است و منجر به بی خانمان شدن افراد، رها کردن کودکان بی سرپرست و افزایش پدیده کارتون خوابی شده است.

قطعاً حاکمان اسلامی سرمایه از بی تفاوت نمودن چند میلیون انسان نسبت به تباهی ای که جامعه ایران را در کام خود فرو برده، رضایت خاطر دارند. مردم باید عاملین اصلی پخش و فروش مواد مخدر و مافیای آن را در میان کاربدستان درجه اول حکومت سراغ بگیرند، که از این راه میلیاردها دلار به ثروت افسانه ای خود افزوده اند. اینها بی رحم ترین بربرهای قرن حاضر هستند که از وقوع فجایع به مراتب مخرب تر از این هم ایبائی ندارند. مردم ایران باید به جای سرزنش محروم ترین افرادی که راه نادرستی جهت تسکین دردهای خود و فرار از هزار و یک بنبختی به چنین مصیبتی گرفتار شده اند، به کمک آنها بشتابند. انسانهای آگاه و پیشرو در جامعه باید تلاش نمایند از راه ها و امکانات موجود جهت بهبود زندگی معتادان و بازگشت آنها به زندگی اجتماعی استفاده نمایند. همچنین باید جمهوری اسلامی را به عنوان عامل اصلی به انحطاط کشاندن جامعه رسوا کرد.

جانان اسلامی عاملان درجه چندم پخش مواد مخدر را به اصطلاح تعقیب و شناسایی کرده و همراه با معتادانی که شرایط غیر قابل تحمل زندگی در این جهنم اسلامی تحت حاکمیت سرمایه داری اسلامی، آنها را به سوی چنین انتحالی سوق داده است را دستگیر و در ملا عام اعدام می کنند تا هم زهر چشمی از مردم گرفته باشد و هم ذهن جامعه را از توجه به سازمان دهندگان اصلی فروش و توزیع مواد مخدر منحرف نمایند و به خیال خود از این طریق تنفر مردم را نسبت به خود کم کنند. آنها می خواهند توجه جامعه را به سمت قربانیانی جلب کنند که فقر و محرومیت فزاینده و فقدان دورنمای روشن جهت مبارزه با این شرایط جهنمی آنها را به این انتخاب مخرب کشانده است. هر تلاش رژیم در جهت تولید کینه و نفرت و کاتالیزور کردن آن به سمت قربانیان مبتلا به مواد مخدر باید با عکس العمل مناسب و شدید مردم مواجه شود و نفرتشان را نسبت به حاکمان جنایتکار اسلامی افزایش دهد. تنها با سرنوشتی جمهوری اسلامی زمینه ای برای دسترسی به راه حل قطعی و امکان تلاش همه جانبه برای خشکاندن ریشه اعتیاد در جامعه ایران فراهم خواهد شد. #

# زنده باد سوسیالیسم!

اولین دستاورد اعتصاب نمایش وجدان بیدار جامعه در مخالفت با اعدام است. سالهاست در کردستان به یمن قطب آزادیخواه و رادیکال، اعدام را قتل عمد دولتی می دانند و خواهان لغو مجازات اعدام هستند.

مخالفت با اعدام یکی از عرصه های مبارزه است که افراد زیادی را حول پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی که بطور هژمونیک در دست چپ و کمونیستهاست است گرد آورده است. امروز درجه آزادیخواه بودن افراد در جامعه کردستان با معیارهایی مانند مخالفت با اعدام، احترام به حقوق کودک، آنتیست بودن آزادی زن و احترام به انسان سنجیده می شود. خوشبختانه این باورهای رادیکال در جامعه کردستان به درجه زیادی نهادینه شده است. در ده سال گذشته در مراسم های روز زن، روز کودک، روز کارگر و سایر تجمع های اعتراضی مانیفست خود علیه اعدام و سایر مصائب جامعه اختناق زده را اعلام کرده اند. اعتصاب روز 23 اردیبهشت فرصتی بود تا بار دیگر و در ابعاد میلیونی این خواست انسانی اعلام شود.

همانگونه که اعدام به چهره زشت جمهوری اسلامی تبدیل شده، مخالفت با اعدام نیز سمبل تعرض به جمهوری اسلامی است. دیماه سال گذشته مردم سیرجان این تعرض را با حمله به چوبه های دار و سوزاندن بساط اعدام نشان دادند. به این اعتبار اعتصاب اخیر نمایش قدرت مردم در مقابله با جمهوری اسلامی نیز بود. تمام افرادی که در جامعه کردستان زندگی می کنند این را به خوبی می دانستند که این حرکت در تقابل با جمهوری اسلامی شکل گرفته است. این اعتصاب سمبل تنفر مردم آزادیخواه در کردستان از جمهوری اسلامی بود. تاکتیک مناسب در مخالفت با جمهوری اسلامی از دیگر دستاوردهای این اعتصاب بود. جامعه کردستان به حکم ادامه انقلاب در شوراها، سنگرهای شهر و ده در دهه اول پس از انقلاب 57 و در نتیجه فضای سنگین ملیتاریزه، جامعه ای زخم خورده از فاشیسم اسلامی است. در سی سال گذشته جمهوری اسلامی از هیچ فرصتی برای به خاک و خون کشیدن اعتراضات مردم دریغ نکرده است. در دهه اول پس از انقلاب آتش زدن خانه های مردم، دستگیری و اعدام جوانان به خاطر در دست داشتن اعلامیه احزاب امری عادی و روزمره بود. در دهه دوم اندکی از تعرض آشکار و

ملیتانت کاسته شد اما جمهوری اسلامی که تا چنگ و دندان در کردستان مسلح است در فرصت هایی مانند دوم اسفند 77 بار دیگر مسلسلهايشان را بروی مردم گشودند تا بوی باروت و خون از حافظه مردم پاک نشود. در دهه سوم این نبرد به محیط جهانی " کار " در مرزها و تعرض به معیشت مردم کشیده شده است و مردم هر روزه شاهد قتل، تعقیب و مجروح شدن عزیزان خود در محیط کار هستند. اعتصاب عمومی تمام بهانه ها برای آتش گشودن به تجمعات مردمی را از دست رژیم در آورد.

دستاورد مهم دیگر این اعتصاب عدم اعتنای مردم به جریانهای بود که می خواستند این حرکت را در چهارچوب " جنبش سبز " و رویدادهای پسا انتخاباتی قرار دهند. کربوی و موسوی با عشوهای شتری از " بدون آنکه توضیحات روشن کننده ای از اتهامات و روند دادرسی و محاکمات به مردم داده " و " جرم آنها به دلیل علنی نبودن دادگاه و عدم رعایت آیین دادرسی و قانون برای هیچ کسی محرز نشده " گلایه کردند تا با آتش خشم مردم آتش سبز مسموم و منعفن را برای خود مردم بپزند غافل از اینکه سالهاست کیفر خواست مردم آزادیخواه و کمونیست های کردستان علیه کلیه جناحهای جمهوری اسلامی صادر شده و سالهاست موسوی، کربوی را در کنار احمدی نژاد، خامنه ای پشت میز متهم قرار داده اند. از سوی دیگر چند جریان سیاسی در اپوزیسیون می خواستند سیمای یک اعتراض خیابانی به آن بدهند تا برای یکروز هم شده تزه های خود را گرم کنند. این اعتصاب فی نفسه حرکتی در مخالفت با مجازات اعدام و در تقابل با جمهوری اسلامی بود و به هیچ عنوان نمی توان آن را در چهارچوب حوادث پس از انتخابات 88 گنجانند.

درس ها

جمهوری اسلامی سالهاست شمشیر را از رو بسته است و در شناخت و زشتی گوی سبقت را از رژیمهای فاشیستی ربوده است. اجرای اعدام ادامه سیاست سرکوب و مرعوب کردن مردم است. چوبه های دار و جوخه های اعدام دستگاه ارباب مردم است. جمهوری اسلامی هر روزه اعدام می کند. درست یک روز قبل از اعدام این 5 نفر فعال سیاسی، شش نفر دیگر به " بهانه " حمل یا قاچاق مواد مخدر اعدام شدند. متأسفانه به علت " عادی " شدن پدیده اعدام به نظر می رسد جامعه حساسیت چندانی به " اعدام های غیر سیاسی " ندارد و یا اهمیت زیادی به اعدام قربانیان مواد مخدر، قتل و جنایت ندارد. با توجه به سیاست ارباب و سرکوب هر اعدامی برای جمهوری اسلامی ابزار سیاسی است و باید از سوی جامعه با همان حساسیت پیگیری شود. باید توجه وجدان های بیدار جامعه را از

اعدام های سیاسی " فراتر برد. نباید مجازات اعدام را به اعدام سیاسی و غیر سیاسی تقلیل داد. اعتراض به حکم اعدام باید به لغو مجازات اعدام منتهی شود. اعتصاب عمومی و اعتراض به اجرای اعدامها حرکتی انقلابی و شایان تقدیر است اما در تغییر جهت سیاست های توند ملتزالی خوبی برای سازماندهی یک حرکت اعتراضی قوی تر، منسجم تر و فعال تر برای مبارزه علیه اعدام و به تبع آن تعرض وسیع و همه جانبه علیه جمهوری اسلامی وجود آورد. این حرکت باید به سازماندهی و ایجاد تشکل تبدیل شود.

اعتصاب فرصتی بود تا نیروهای دخیل در سازماندهی آن هنر و فن سازماندهی را به کار گیرند. این تجربه ها که به هزینه گزافی حاصل شده است باید در مقابله با اجرای اعدام و بویژه برای نجات عزیزانی که شیخ مرگ روی سر آنها قرار دارد بکار گرفته شود.

حرکت اعتراضی مردم نشان داد که تنها خود آنها می توانند حرکتی واقعی و عینی علیه اعدام باشند. در چند سال گذشته و بویژه در مورد فرزند کمانگر کوهی از نامه، فاکس و درخواست از سازمانهای حقوق بشری وجود دارد که نتوانست بطور واقعی تأثیری در لغو حکم داشته باشد. می توان گفت جمهوری اسلامی از امجازات اعدام نیز مانند پرونده هسته ای برای نمایش " اقتدار " خود و عرصه بین المللی استفاده می کند و قدری خود را در انتظار

جامعه جهانی " به نمایش می گذارد. این حرکت های اعتراضی در جامعه چنانچه به تشکل و سازماندهی منجر شود می تواند منجر به لغو حداکثری اعدامها شود. مردم نباید منتظر پروسه دادگاههای نمایشی و تلاشهای نهادهای حقوق بشری " باشند. نیرو و انرژی مردم باید صرف تشکل و همبستگی آنها در میان جامعه باشد. یکدهم نمایش همبستگی مردم در اعتصاب عمومی روز 23 اردیبهشت در شکل منسجم و سازمان یافته و پیگیری می تواند بساط اعدام جمهوری اسلامی را برچیند و در هم بکوبد.

اعتراض روز 23 اردیبهشت به ابتکار و همت چپ ها و کمونیستها در کردستان انجام گرفت. در مقابل حرکت اعتراضی کمونیستها که پیگیرترین انسانها در حرمت به انسان هستند، جریانهای سیاسی بی ربط به خوشبختی انسان سنت اسلامی عزای عمومی را به مردم توصیه کردند. علاوه بر این " ناسیونالیسم ملت فرودست " با دامن زدن به احساسات رقیق شده مردم و با پناه بردن به ادبیات عشیره ای - اسلامی در قالب بکار بردن کلماتی مانند شهید، وطن، افتخار به مرگ و سرودن اشعار ودر یک کلام با " تقدیس

مرگ " بی تفاوتی خود به زندگی انسانها را به نمایش گذاشتند. نهایت این شبیه خوانی به فراهم نمودن نیروی فلتاتیک ملی - اسلامی منجر می شود که در تقابل با فلسفه وجود انسان قرار می گیرد. مرگ افتخار نیست و مردگان حتی در تراژیک ترین شکل مرگ مانند مرگ این 5 عزیز سرمایه های جنبش زنده نیستند. جنبش اسلامی برای تبدیل کردن انسان به ماشین های کشتار به افرادی نیاز دارد که وجود خود را بکلی باخته اند. جنبش ملی هم دستکمی از جنبش اسلامی برای مغز شویی افراد ندارد. در کنار این نمودهای تراژیک " ملت فرودست " و قاحت " ناسیونالیسم فرادست " نیز عیان شد.

کم نبودند افراد وطن پرست چند آتشه ای که همصدا با مجریان اعدام البته نه از سیمای جمهوری اسلامی بلکه از رادیوهای مانند رادیو صدای ایران، رادیو فردا، پرسیو رادیو و رسانه های اقماری فاشیسم ملی، خوشحالی خود از قتل تراژیک " خاندانین به ایران " را وقیحانه سردادند. اجرای این اعدامها و اعتصاب عمومی فرصتی بود تا بار دیگر ماهیت کلیه جریانهای سیاسی برای مردم روشن شود. قطعاً همان وجدان بیدار جامعه که در همدلی با خانواده قربانیان و در اعتراض به جمهوری اسلامی این حرکت را به راه انداختند، دوستان و دشمنان انسانیت را شناخته و درسهای حاصل از این اعتصاب را سرمایه مبارزه با جمهوری توحش اسلامی بکار می گیرند. ####

به جنبش آزادیخواهی و ...

همین امسال در هشت مارس جنبش زنان در کردستان در قطعنامه ها بر همان مطالبات ماگزیمالیستی پای فشردند و با اعلام اتحاد با جنبش کارگری خط خود را از جنبش سبز متمایز کرد؛ با پرت کردن حجاب ها بطور سمبلیک در شب نوروز به برقع و چاقچور بته جقه ای زهرا رهنوری ها " نه " گفتند. در دور تعرض جدید بر سر مسئله حجاب هم این جنبش حول شعار لغو حجاب با سبز و سیاه آن متحدین خود را جمع خواهد کرد.

آنچه جنبش برابری طلبی و آزادی خواهی زنان در کردستان باید برای رسیدن آن تلاش کند، کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم بطور کامل، مبارزه با ناسیونالیسم و فرهنگ شرق زده، مبارزه بی وقفه علیه ارزشها و اخلاقیات مردسالارانه و ضد زن، رفع ستمگشی زنان در همه سطوح سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تلاش برای رسیدن به برابری واقعیست. اتحاد با جنبش کارگری و جنبشهای اجتماعی از جنس خود راه رسیدن به پیروزی را هموارتر می سازد. ####

زنده باد برابری!

زنده باد آزادی!

## جمهوری اسلامی کور خوانده است

(روزهای بعد از اعتصاب  
و جمهوری اسلامی)

بنا به اخباری که از شهرهای کردستان می‌رسد، به دنبال اعتصاب موفق مردم در کردستان سرکوبگران حکومت اسلامی سرمایه داران که در برابر اراده یکپارچه و متحدانه مردم در کردستان در زبونی و استیصال بسر می‌برند. برای ایجاد فضای رعب و وحشت و سرکوبگرانه بطور مستقیم و غیر مستقیم اقدام به انبساط و آزار و بگیر و ببند مردم فعالین سیاسی، مدنی، اجتماعی، مغازه داران، بازاریان، جوانان و... " نموده اند. و تاکنون در این شهرها جمهوری اسلامی دست به گسترش فشار و آزار مردم زده است که به حساب بعد از شکست در مقابل جامعه خود انتقام بگیرد. جمهوری اسلامی کور خوانده است!

### سندج

در پی برگزاری اعتصاب عمومی در این شهر، دستگاه امنیتی و مقامات رژیم در شهرداری سندج در اقداماتی زبوانه لوازم و وسایل بجا مانده از مغازه ها را ضبط می نمایند. عوامل رژیم با ربودن ویتترین ها و لوازم مقابل مغازه های سطح شهر در سد ایجاد فضای نا امنی و بی اعتمادی در میان مردم مبارز این شهر می باشند. این اقدام عوامل رژیم اسلامی از نیمه های شب تا سحرگاه روزهای گذشته ادامه داشته است.

- روز پنج شنبه مورخ 23 اردیبهشت ماه در یکی از خیابانهای شهر سندج نیروهای انتظامی و امنیتی اقدام به ضرب و شتم یک نوجوان به نام " یونس شیخ احمدی " نموده و پس از بازداشت وی را به مکان نامعلومی منتقل می کنند. علی الرغم پیگیری خانواده نامبرده به دادگستری و نهادهای امنیتی از سرنوشت این نوجوان کرد خبری در دست نیست.

- "سوما محمزناده" دبیر موسسه فرهنگی - اجتماعی شاهو، "میلاد کریمی" دانشجوی دانشگاه آزاد و "فردین کمانگر" دبیر موسسه رسانه ای ولات، به ستاد خبری اطلاعات سندج احضار شدند.

در چند روز گذشته تعدادی از فعالین نهادهای مدنی که طی بیانیه ای اعتراض خود را نسبت به اعدام های اخیر اعلام کرده بودند، به ستاد خبری احضار و بعد از اخذ تعهد و بازجویی آزاد شده اند.

### دهگلان

کمپین دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی در صبح روز پنجشنبه همزمان با اعتصابات سراسری در کردستان ، اداره ی اطلاعات شهرستان دهگلان چند نفر از فعالین این شهر را به اداره ی اطلاعات احضار و بعد از ساعتها پرس و جو و بازجویی سرانجام تصمیم به انتقال این افراد به اداره ی اطلاعات شهرستان قروه شد . اسامی احضار شدگان و دستگیر شدگان به شرح زیر است : فواد امیری ( فعال مدنی و فعال حقوق بشر ) ، خالد شکوری ( فعال سیاسی ) ، سردار محمدی ( فعال مدنی و فعال حقوق بشر ) ، علی محمدی ( فعال سیاسی و فعال مدنی ) ، باسط مرادی ( فعال مدنی و فعال حقوق بشر ) . لازم

به ذکر است سردار محمدی و باسط مرادی چندی پیش نیز به بهانه ی شرکت در اعتصابی که به منظور محکوم کردن حکم اعدام احسان فتاحیان در شهر سندج برگزار شد ، از آن زمان تاکنون چندین بار به اداره ی اطلاعات شهرستان قروه احضار شده اند . تاکنون هیچ خبری از وضعیت دستگیری این افراد در دست نیست و به همین دلیل خانواده ی ایشان نیز از روز دستگیری فرزندان شان تاکنون به دلیل عدم پاسخگویی اداره های ذی ربط در بلاتکلیفی به سر می برند.

### پانه

در پی برگزاری اعتصاب پیروزمند عمومی مردم کردستان، فشار نیروهای مزدور رژیم اسلامی بر مردم به ویژه مغازه داران و صاحبان اماکن کسب و کار که در اعتصاب سراسری کردستان شرکت داشتند، افزایش یافته است. و ماموران رژیم دو "حامد مجیدی و هزار" از اهالی این شهر را بازداشت کرده اند.

در ادامه همین فشارها روز جمعه 24 اردیبهشت ماه نیز "ملاحمان خدایی" امام جمعه مزدور و مرتجع پانه، مردم این شهر را که در روز اعتصاب

## جمهوری اسلامی عامل اصلی گسترش اعتیاد و سازمانده فروش مواد مخدر در جامعه است

علی مطهری

اعتیاد به مواد مخدر یکی از مهمترین مشکلات اجتماعی و بهداشتی پیش روی جامعه ایران است که عوارض ناشی از آن تهدیدی جدی بر انهدام نسلی است که آینده روشنی در مقابل خود نمی بیند و تماماً ناامید و مستاصل، زیر فشارهای روزمره زندگی چاره ای جز پناه بردن به این گزینه مخرب به فکرش نمی رسد. اعتیاد به این مواد خانمان برانداز، واکنشی مخرب به کنشهای غیر قابل تحمل بیرونی و آلام و مشکلات درونی ناشی از آن است. از عوامل مهم گرایش به مواد مخدر می توان عدم امنیت شغلی، بیکاری، وضعیت دشوار اقتصادی، محرومیت های اجتماعی و فرهنگی، اضطراب و افسردگی و... نام برد که در راس کلیه این عوامل جمهوری اسلامی، بکه شرایط غیرانسانی و تباهی روزافزون و باور نکردنی بر جامعه تحمیل کرده است قرار دارد. جمهوری اسلامی عامل اصلی گسترش مواد مخدر و سایر مصائب گریبانگیر مردم ایران است.

پدیده شوم اعتیاد به مواد مخدر در ایران ابزاری کار آمد، موثر و راهبردی در گسترش و تداوم سلطه نظام اسلامی و صاحبان قدرت در این سیستم متحجر و نا کار آمد است. علاوه بر این تجارت مواد مخدر، فعالیت اقتصادی پر سود در دست مافیای اقتصادی میلیاردی های حکم بر ایران است.

گسترش دامنه مصرف مواد مخدر در جامعه امروز ایران ابعاد جدیدی به خود گرفته است. گذشته از اقتنار کم در آمد و فقیر جامعه که بیشترین بخش معتادان را تشکیل می دهند، قشر تحصیل کرده نیز به این سمت کشیده شده اند. حتی زندانها نیز از دست این ماده خانمان برانداز در امان نمانده و به یکی از مراکز اصلی پخش و استفاده از مواد مخدر تبدیل شده است. امروزه در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی، مدارس و دانشگاهها نیز به مراکز پخش و مصرف مواد مخدر تبدیل شده اند و دامنه اعتیاد از خوابگاه های دانشجویی فراتر رفته و به مدارس راهنمایی و نیز به مدارس دخترانه کشیده شده است. آمارهای رسمی از سه میلیون معتاد در ایران حکایت دارد در حالیکه تعداد معتادان و مصرف کنندگان مواد مخدر در ایران چند برابر این آمار است. ایران با مصرف بیش از دوازده در صد از مواد مخدر جهان، به همراه روسیه در صدر جدول بزرگترین مصرف کنندگان مواد مخدر جهان قرار گرفته است. شایع ترین و بیشترین نوع مواد مخدر در ایران مربوط به کریستال و شیشه است. مواد مخدر و روانگردان به حدی متنوع است که حتی آدمس های مختلف که با نام های متفاوت وارد ایران می شوند، از مواد محرک تشکیل شده اند و می توان از آنها به عنوان طعمه ای برای گرایش نوجوانان به مواد مخدر برشمرد. تزریق مواد مخدر یکی از عوامل شیوع بیماریهای ایدز و هپاتیت است. استفاده از سوزن ها و سرنگ های مشترک متداول ترن راه انتقال بیماری ایدز در بین معتادان تزریقی محسوب می شود.

ادامه در صفحه ۴

تهیه و تنظیم: اکبر

# مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



## گزیده ای از اخبار و رویدادهای کارگری در کردستان

تهیه و تنظیم: اسماعیل ویسی

### سنندج

خبری کوتاه از وضعیت کارگران بخش توزیع آرد در شهر سنندج

شهر سنندج و حومه آن دارای 512 نانوائی می باشد که سهمیه آرد آنان توسط 36 کارگر و در شرایط بسیار سخت کاری توزیع می گردد. توضیح آرد مورد نیاز نانوائی های شهر سنندج و حومه آن توسط کارگران شاغل در شرکت حمل و نقل خلیج فارس که در بخش خصوصی فعالیت دارد صورت می گیرد. این کارگران روزانه 10 ساعت متوالی کار می کنند و با داشتن کار سخت و نبود هیچگونه وسایل و لوازم ایمنی در حین کار، از هیچ نوع بیمه ای از جمله بیمه درمانی و از کار افتادگی برخوردار نیستند. دستمزد ماهانه این کارگران 220 هزار تومان می باشد که حتی از مبلغ تعیین شده توسط رژیم نیز بسیار کمتر است.

### کارخانه نیرو رخش- سنندج

عدم پاسخگویی مقامات رژیم به اعتراضات کارگران کارخانه "نیرو رخش کردستان" بخاطر دستمزدهای معوقه

45 کارگر شاغل در کارخانه نیرو رخش واقع در شهر سنندج 6 ماه دستمزد و همچنین عیدی سال گذشته خورشیدی را تاکنون دریافت نکرده اند. کارگران معترض بارها به استانداری و اداره کار مراجعه کرده و نسبت به وضعیت خود اعتراض کرده اند اما تاکنون مقامات رژیم پاسخگویی آنان نبوده و کارفرما که از پشتیبانی رژیم برخوردار است آنان را تهدید به اخراج نموده است. و نهاد های حکومتی هم از حل این مشکلات خود داری می ورزند.

### اخراج سی تن از کارگران مخابرات کردستان

بر اساس گزارش رسیده، روز چهارشنبه مورخ 15/2/89 سی نفر از کارگران شرکت مخابرات کردستان که به صورت قراردادی از 12 تا 14 سال سابقه کار دارند، اخراج شدند. لازم به ذکر است که این کارگران از طرف مخابرات به یک شرکت خدماتی واگذار شده است.

### تداوم ارسال کمک های مالی کارگران "سنندج و سقز" به خانواده کارگران در بند رژیم

بنا به اخبار رسیده، مرحله چهارم کمک های مالی کارگران سقز طی 2 فیش جداگانه و مرحله ششم کمک های مالی کارگران سنندج به شماره حساب جاری علی نجائی، واریز گردید.

### سقز

بنا به خبر رسیده از شهر سقز در پی وقوع حادثه محل کار، "علی حسن نژاد" کارگر ساختمانی به دلیل نبود امکانات ایمنی در محل کار بر اثر حادثه ای در روستای "کانی نیاز" از توابع شهر سقز به شدت مصدوم و پس از انتقال به بیمارستان خمینی این شهر، روز سه شنبه 28 اردیبهشت ماه متأسفانه جان خود را از دست داد.

### مریوان

دستگاه قضایی رژیم اسلامی احکام زندان صادره علیه 3 تن از فعالین کارگری شهر مریوان با اسامی "سلام قادری، خالد اسدی و آزاد حسینی" را به یکسال و 10 ماه زندان تعزیری تقلیل داد. پیش از این دادگاه اسلامی رژیم در مریوان علیه هرکدام از این 3 فعال کارگری حکم 3 سال و 10 ماه زندان تعزیری صادر کرده بود. این 3 فعال کارگری به اتهام عضویت در یکی از احزاب مخالف رژیم، عضویت در کمیته هماهنگی و فعالیت تبلیغی علیه نظام به یکسال و 10 ماه زندان تعزیری محکوم شده اند.

بر اساس خبر دریافتی صبح روز دوشنبه 27 اردیبهشت ماه "تیمور حسینی" راننده بولدزر، اهل روستای "بوریدر" و از کارگران خوشنام منطقه مریوان، در حین کار در سد "گاران" واقع در منطقه مریوان، متأسفانه به دلیل ایست قلبی در سن 35 سالگی جان باخت.

### کامیاران

روز چهارشنبه 29 اردیبهشت ماه رانندگان تاکسی شهر کامیاران در مقابل ساختمان شورای شهر تجمع اعتراضی بر پا داشتند که بلافاصله ماموران اداره اماکن و اطلاعات در محل حاضر شده و جهت ایجاد فضای رعب و وحشت از رانندگان معترض شروع به فیلم برداری کردند. اما معترضین هم چنان به تجمع خود ادامه داده و مقامات تاکسیرانی این شهر ناچاراً به خواسته های آنان تن داده و به مسائل آنان رسیدگی کردند. و رانندگان خواسته های خود را به مقامات تاکسیرانی تحمیل کرده و به مطالبات خود دست یافتند.

### کامیاران

روز چهارشنبه 29 اردیبهشت ماه ماموران رژیم اسلامی به بازار سیگار فروشان شهر کامیاران که اغلب کارگران و جوانان بیکار میباشند، یورش برده و تمامی اموال کسبه این مکان را ضبط کردند. بازار سیگار فروشان شهر کامیاران در جاده شیروانه این شهر واقع گردیده و این چندمین بار است که مامورین به این بازار یورش برده و مانع کسب و کار در این مکان می گردند.

## به جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی زنان بیونید!

### هلاله طاهری

تبعیض و نابرابری جنسی علیه زنان یکی از مشخصه های بارز دنیای امروز است. در بخش اعظم جهان زنان رسماً و قانوناً از ابتدایی ترین حقوق خود بی بهره اند. در جدال بر سر تحقق مطالبات خویش با وحشیانه ترین اشکال مورد خشونت و سرکوب قرار می گیرند. نظام سرمایه داری با باورهای مردسالارانه حاکم بر جامعه و با چماق پوسیده مذهب در تمام عرصه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به فرودستی زنان تداوم بخشیده است. دولتهای اسلامی در خاورمیانه و افریقای شمالی نمونه های بارز تحمیل زندگی برده وار به زنان هستند. در ایران طی سه دهه حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی و تعرض و باز پس گیری آخرین دستاوردهای بدست آمده حقوق زنان در طی انقلاب ۵۷، جنبش زنان را قدمها به عقب راند. احکام اسلامی ضد زن و آپارتاید جنسی کامل این رژیم، کشتار و اعدام هزاران انسان آزادیخواه، قمه کشی و اسید پاشیدن به روی "زنان بی حجاب" و اشاعه عقب مانده ترین باورهای در جامعه مشخصه این رژیم گردید.

علاوه بر تهاجم جمهوری اسلامی، ناسیونالیسم با سنتهای عشیره ای - مذهبی به تقویت و ترویج عقب مانده ترین باورها و خرافات پوسیده اسلامی و مرد سالارانه تداوم هر چه بیشتری بخشیده است. ناسیونالیستها به بهانه "آرمانهای ملی" مبارزه برای حقوق زنان را موقوف به تاریخ نامعلوم می کنند. آنها می گویند اگر چه به حقوق زنان اعتقاد دارند (که ندارند)، اما وظایف عاجل ملی و قومی بر حقوق انسانها مقدم است. این فریبی است که با آن سالها بخشی از جامعه را متوهم نگه داشته و دست مذهب، مساجد و جریانات اسلامی را در منطقه برای اشاعه افکار پوسیده و زن ستیزانه باز گذاشته اند. ناسیونالیسم به زن بعنوان "شرف و ناموس مرد" و یا "شرف ملی" می نگرد. این "شرف ملی" همانی ست که به حکم آن صدها دختر جوان هر ساله به بهانه لکه دار شدن "ناموس" کشته میشوند و هزاران زن در کنج خانه مورد تعرض جنسی، روحی و جسمی قرار می گیرند. ناسیونالیسم در کردستان هم دارای همین مشخصات است. حفاظت از "ناموس" در فرهنگ "کردایه تی" از وظایف مرد و تخطی زن از دستورات جامعه "خودی" با مجازات سنگین هم از خانواده و هم از حاکمان اسلامی پاسخ می گیرد.

علیرغم وجود فشار مذهب و باورهای عقب مانده قومی، در سی سال گذشته و بویژه در دهه اخیر ما شاهد یک جنبش قوی ضد مذهبی و علیه باورهای عقب مانده در میان مردم بوده ایم. جنبش "اصلاح طلبی" از نورن خود رژیم و برای نجات دولت از فروپاشی و بالا گرفتن اعتراضات مدرن و برابری طلبانه طی دو دهه در مهار کردن اعتراضات جوانان و زنان تقلا کرده اما هرگز نتوانسته است راه پیشروی جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی را بگیرد. در کردستان جریانات وابسته به اصلاح طلبان و احزاب ناسیونالیست به هر ترفندی برای خاموش کردن صدای حق طلبانه دست برده اند اما به جایی نرسیده است. جنبش برابری طلبی و آزادیخواهی در دو دهه اخیر در کردستان به یمن نفوذ و قدرت کمونیستها همواره پیشتاز ماگزیمالترین مطالبات زنان بوده و این همان چیز است که زنان و جوانان می خواهند. جنبش کمونیسم کارگری در کردستان در دو دهه اخیر مطالبات و افق سوسیالیستی جنبش برابری طلبی و جنبش زنان را همواره تصویر و تقویت کرده است. درست در اوج خفقان و تهدید و قمه کشی جمهوری اسلامی، زنان آزادیخواه و برابری طلب در کردستان هشت مارسهای تاریخی برپا کرده اند. سنت بیان روشن ترین و رادیکال ترین مطالبات انسانی در پوشش قطعنامه، کشاندن مراسم ها به میدانی و خیابانها، اعلام پشتیبانی از سایر عرصه های مبارزه اجتماعی، مدرنیسم و ماگزیمالیست بودن خواسته های زنان به بستر اصلی مبارزات زنان با جمهوری اسلامی و گرایشات واپسگرا در جامعه تبدیل شده است.

دوره چهار ساله اخیر تشدید سرکوب علیه جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی از جانب سیاه ترین جناح حاکم و سر بر آوردن "جنبش سبز" که در تلاش است موج دیگری از عقب گرد و ارتجاع اسلامی را بر جامعه تحمیل کند، عرصه را بر روند مبارزات برابری طلبانه تنگتر کرده است. ناسیونالیسم کرد در این دوره نیز به شیوه دیگری به اسلام سیاسی سواری داده اند. در یکسال گذشته کسانی چون رویا طلوعی و احزاب و گروه های ریز و درشت ناسیونالیستی تا ورژن های متعدد ناسیونالیسم چپ به نام پشتیبانی از جنبش سبز، به مبارزات زنان و اعتراضات اجتماعی جوانان خاک می پاشند. اما طول عمر آنها طولانی نخواهد بود. جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی با کار آگاهگرانه در میان مردم اجازه نخواهد داد حقوق جهانشمول زنان را اینبار به زیر عبای سبز بکشانند.

ادامه در صفحه ۵

# کارگران جهان متحد شوید!

## نشست کمیته کردستان حزب حکمتیست برگزار شد

در روزهای شنبه و یکشنبه هیجدهم و نوزدهم اردیبهشت ۱۳۸۹ نشست کمیته کردستان حزب حکمتیست با شرکت اکثریت اعضای کمیته کردستان برگزار شد. ابتدا نشست با سرود انترناسیونال و یک دقیقه سکوت به یاد جانبازان راه آزادی و کمونیسم شروع به کار کرد. بعد از تعیین هیئت رئیسه و تصویب دستورجلسات و زمان بندی آنها، بحث و بررسی و تصمیم گیری حول مباحث در دستور شروع شد. دستور مصوب نشست به این ترتیب بود:

- 1- گزارش
- 2- موقعیت حزب در کردستان و اولویتهای ما
- 3- امکانسازی مالی چگونه و به چه شیوه؟
- 4- قرارها
- 5- انتخابات

در ارائه گزارش فعالیت‌های کمیته کردستان در بین دو نشست، دبیر کمیته کردستان، به طور فشرده اقدامات سیاسی و عملی هیئت اجرایی کمیته و مسئولین بخش‌های مختلف کار را در عرصه‌های سیاسی و تبلیغی، مناسبت‌های هشتم مارس روز جهانی زن و اول مه روز جهانی کارگر، نقد و افشای بورژوازی کرد و جنبش سبز، ارتباط گیری با داخل، تقابل با دستگیریه‌ها و اعدام‌های رژیم در کردستان، ترازوی بمباران شیمیایی حلبجه و سالگرد جانبازان کمونیست گردان شوان، سالگرد جنگ ۲۴ روزه سنج و اقدامات اعضای کمیته در جریان تحرک اعتراضی منطقه الان سردشت و شهر مریوان و ... را برشمرد. نشست ضمن تاکید بر اقدامات مهم انجام شده، عدم جوابگویی این سطح از فعالیت را نسبت به نیازهای سیاسی و مبارزاتی در جامعه یادآور شد و پیشنهادات و راه حل‌های پیشرفت کار طرح گردید.

در معرفی مبحث "موقعیت حزب در کردستان و اولویتهای ما" رحمان حسین زاده ضمن بررسی موقعیت متمایز حزب در متن تلاطمات سیاسی یکسال گذشته و عروج جنبش سبز، بازتاب این رویداد را در صف بندی جنبشها و احزاب سیاسی کردستان و نقش ویژه تشکیلات کردستان را در تقابل با بورژوا ناسیونالیسم کرد پیوسته به جنبش سبز و در تمایز با "ناسیونالیسم چپ" همگام شده با "جنبش جاری سراسری یکساله اخیر" در واقع جنبش سبز بیان کرد و بر این مبنا سند "اولویتهای دوره آتی تشکیلات کردستان" مصوب هیئت اجرایی را به نشست حضوری کمیته کردستان ارائه کرد. در مباحثه ای زنده و عمیق همه اعضای حاضر در نشست کمیته در نوبتهای سخنرانی خود نقطه نظرانشان را بیان کردند. در پایان این مبحث سند اولویتهای تشکیلات کردستان با اصلاحات کمی به اتفاق آراء به تصویب رسید.

در میانه نشست روزشنبه هشتم مه، خبر ترور فعال سیاسی و ژورنالیست آزادیخواه و نقاد دم و دستگاه حاکم احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق، "سردشت عثمان" به اطلاع نشست رسید. نشست با یک دقیقه سکوت یاد او را گرامیداشت و با انتشار

بیانیه ای این آدم ربایی و ترور سیاه را محکوم کرد.

در دستور بعدی نشست، ملکه عزتی مسئول مالی کمیته کردستان راه حل‌های عملی امکانسازی مالی کمیته کردستان را برشمرد. نشست ضمن تاکید بر اجرای اقدامات پیشنهادی، به علاوه بر اختصاص نیروی بیشتری از اعضای کمیته و سازماندهی آنها در فونکسیون مالی تاکید کرد و اجرای آن را به عهده هیئت اجرایی و مسئول مالی واگذار کرد. در دستور قرارها، نشست از میان قرارهای رسیده قرارهای مربوط به نشریه اکتبر، گارد آزادی، تمرکز ویژه بر مسائل جنبش کارگری در کردستان و راه اندازی رادیو به زبان کردی را به تصویب رساند.

در بخش پایانی نشست انتخابات صورت گرفت. ابتدا رحمان حسین زاده به اتفاق آراء به عنوان دبیر و سپس عبدالله دارابی به اتفاق آراء به عنوان معاون دبیر کمیته کردستان انتخاب شدند. همچنین نشست با انتخاب هیئت اجرایی ده نفره که عبارتند از رفقا: اسماعیل ویسی، ابراهیم باتمانی، ابوبکر شریف زاده، رحمت فاتحی، رحمان حسین زاده، سلام زیجی، سالار کرداری، صالح سرداری، عبدالله دارابی، ملکه عزتی به کار خود پایان داد.

روز دوم نشست به سمیناری در مورد تحولات بورژوازی کرد و استنتاجات سیاسی از آن اختصاص داده شد. پانلیستهای این سمینار رفقا: سلام زیجی، عبدالله دارابی، رحمت فاتحی و رحمان حسین زاده در نوبت بیست دقیقه ای اول هر کدام چارچوب بحث مورد نظر خود را طرح کردند. در این مبحث و در بخش استنتاجات سیاسی از آن واضح بود دو نظر مختلف وجود دارد. در نوبت کوتاه دوم هر کدام نقطه نظرات خود را پیرامون دو نظر مختلف موجود طرح کردند. حاضرین نیز با دخالت فعال خود به پررنگ کردن بیشتر بحث کمک کردند. نتیجه گیری نهایی از این مبحث بر عهده هیئت اجرایی کمیته کردستان گذاشته شد.

بعد از اتمام نشست کمیته کردستان در بعد از ظهر روز یکشنبه نوزدهم اردیبهشت و با پخش خبر اعدام فرزند کمانگر و ۴ نفر دیگر از زندانیان سیاسی هیئت اجرایی کمیته کردستان در نشستی کوتاه ضمن اعلام تفر و انزجار خود از این اقدام جنایتکارانه جمهوری اسلامی و گرامیداشت یاد اعدام شدگان، نحوه مقابله با این تعرض رژیم و بررسی اتخاذ اشکال اعتراضی اجتماعی و در صورت امکان فراخوان به اعتصاب عمومی را مورد توجه قرار داد. بر اساس زمینه اعتراضی موجود روز دوشنبه بیستم اردیبهشت کمیته کردستان حزب حکمتیست در فراخوانی تحت نام "اعتصاب عمومی، جواب مردم به جمهوری اسلامی" مردم کردستان را به اعتصاب عمومی فراخوان داد. این فراخوان همزمان با فراخوان کومه له به اعتصاب عمومی منتشر شد.

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

بیست و نهم اردیبهشت ۱۳۸۹ - نوزدهم مه  
۲۰۱۰

تماس با دبیر کمیته کردستان  
رحمان حسین زاده  
تلفن: 0046739225969  
ایمیل  
husienzade\_r@yahoo.com

تماس با روابط عمومی کمیته  
کردستان  
سالار کرداری  
تلفن: 0046700194503  
Rawabet.omumi.k@gmail.com

نشریه اکتبر را بخوانید،  
آنها تکثیر و بدست  
خوانندگان برسانید،  
برای آن مطلب و  
گزارش تهیه کنید

اکتبر روز دوشنبه هر دو  
هفته یکبار منتشر میشود

اعضا هیئت تحریریه  
اکتبر:

سیف خدایاری، سلام زیجی، ملکه  
عزتی، رحمان حسین زاده، علی  
مطهری، سالار کرداری و رحمت  
فاتحی

ایمیل تماس و ارسال مطلب  
به اکتبر:  
S\_zijji@yahoo.se

به گارد آزادی به پیوندید! زنده باد گارد آزادی!